

مطالعات کانی‌شناسی و سیالات درگیر در کانسار مس - طلا کالچویه، شرق اصفهان

رضوان مهوری^۱، رضا شمس پور، باقری، موسی نقره ئیان، محمد علی مکی زاده

دانشگاه اصفهان، گروه زمین شناسی

دریافت مقاله: 1388/3/13، نسخه نهایی 1388/6/2

چکیده

کانسار مس - طلا کالچویه در 110 کیلومتری شرق اصفهان و در داخل سنگهای آتشفشانی و آذر آواری ائوسن واقع شده است. توفهای ماسه‌ای و گدازه‌های آندزیتی بیشتر حجم این مجموعه را به خود اختصاص داده‌اند. کانی‌سازی در منطقه به شکل رگه‌ای و رگچه‌ای بوده و گانگ اصلی کانی‌سازی، کوارتز می‌باشد. کانیهای فلزی اصلی شامل کالکوپیریت، کالکوسیت، گالن و کانی‌های هوازده شامل گوتیت، اکسیدهای آهن، مالاکیت و آزوریت می‌باشند. بررسیهای انجام شده در این منطقه حاکی از آن است که کانی‌سازی فلزی کالچویه از نوع کانسارهای کم سولفید کوارتز رگه‌های گرمابی است و نتایج مطالعات دماسنجی بر روی کانیهای کوارتز، نشان‌دهنده وجود محلول با دمای کم تا متوسط و قدرت کم کانی‌سازی است.

واژه‌های کلیدی: ائوسن، سیالات درگیر، مس، طلا، کالچویه.

مقدمه

لوزونیت و کولیت) و توسط سیالات اسیدی غنی از گوگرد تشکیل می‌شود. اما نوع سولفیداسیون پایین دارای کانیهای سولفیدی کم بوده و نسبت گوگرد به فلز پایین است. این نوع کانسارهای اپی ترمال از سیالات تقریباً خنثی تا کمی قلیایی و فقیر از گوگرد ایجاد می‌شوند [2].

مطالعات قبلی

مطالعات زیادی بر روی سنگهای آتشفشانی در محدوده مورد مطالعه صورت گرفته‌است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: این مجموعه در نقشه زمین شناسی 1:250000 ناپین و 1:100000 کجان که از سوی سازمان زمین‌شناسی ایران منتشر گردیده قرار گرفته است. توده‌های نفوذی موجود در محدوده مورد مطالعه که جزئی از کمربند توده نفوذی نطنز - بزمان است و کمربند توده نفوذی مذکور در زون ارومیه - دختر مورد مطالعه قرار گرفته است [3]. سنی که پورحسینی برای این توده‌ها مناسب می‌داند الیگومیوسن می‌باشد.

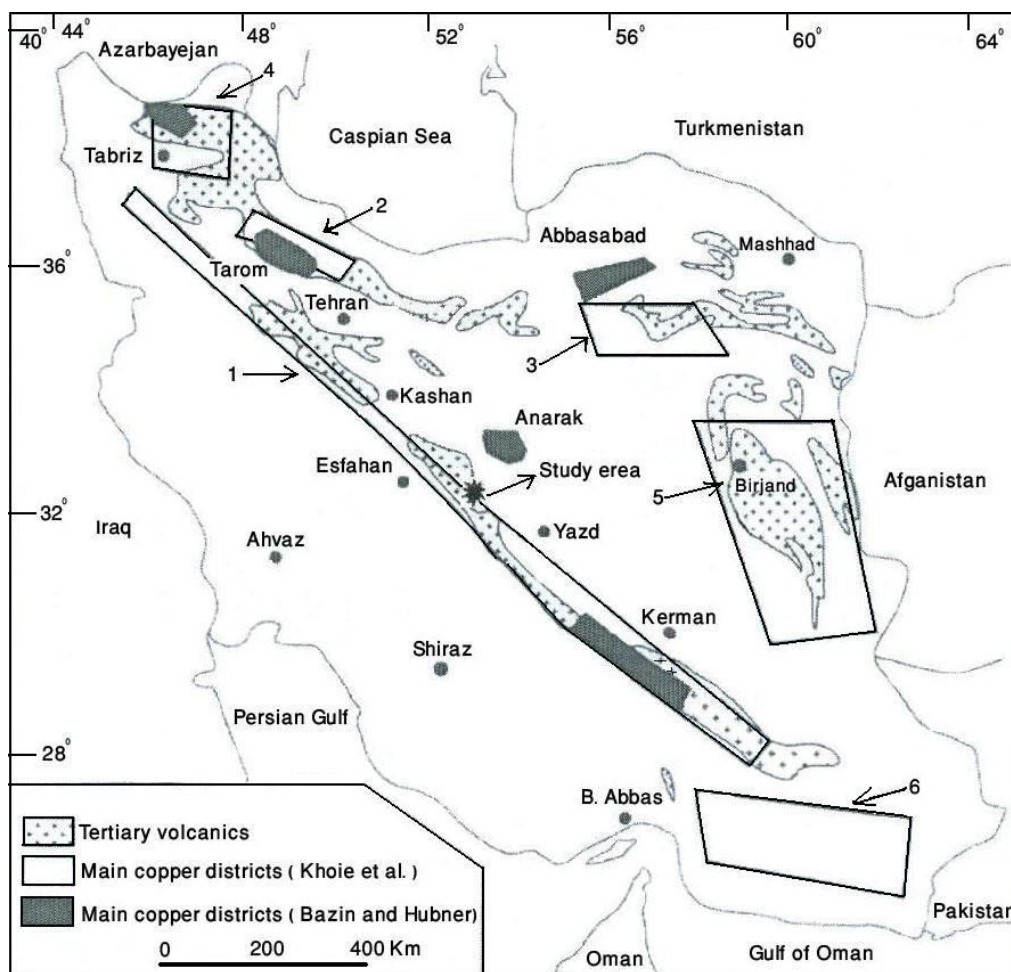
ایران در کمربند مس تتیان^۱ قرار گرفته است. بازین^۲ و هوبنر^۳ [1] پیشنهاد کرده‌اند که کانسارهای مس ایران در شش منطقه یا زون جغرافیایی رخ داده است که عبارتند از: 1- زون آتشفشانی ارومیه - دختر 2- زون البرز باختری 3- زون کویر - سبزواری 4- زون سبلان 5- زون لوت 6- زون مکران (شکل 1) [1].

زون آتشفشانی ارومیه - دختر مهمترین زون کانسار سازی مس است و میزبان کانسارهای مهم مس پورفیری میدوک و سرچشمه می‌باشد که البته این دو کانسار در ارومیه - دختر جنوبی (کرمان) قرار گرفته‌اند [1].

کانسارهای طلا به صورت سیزده تیپ مختلف قابل بررسی هستند که از جمله آنها به نوع اپی ترمال می‌توان اشاره کرد. طلای اپی ترمال خود به دو نوع سولفیداسیون بالا و پایین تقسیم می‌شوند. تیپ سولفیداسیون بالاحاوی کانیهای سولفیدی فراوان بانسبت گوگرد به فلز بالا (مثل انارژیت،

- 1- Tethyan copper belt
- 2- Bazin
- 3- Hubner

^۱مسئول مکاتبات r.mehvary@gmail.com



شکل 1. زونهای اصلی کانسارسازی مس در ایران. کانسارهای مس ایران در شش منطقه یا زون جغرافیایی رخ داده است که عبارتند از: 1- زون آتشفشانی ارومیه- دختر 2- زون البرز باختری 3- زون کویر- سبزوار 4- زون سیلان 5- زون لوت 6- زون مکران.

پروپلیتیک عبارتند از: اپیدوت، زوئیزیت، کلینوزوئیزیت، کلریت، کلسیت، آلبیت و پیریت. در این نوع آلتراسیون اکسیدهای آهن، سرسیت و کائولن به مقدار جزئی یافت می‌شوند [9].

این پژوهش به منظور شناسایی کانیهای فلزی ایجاد شده در منطقه، تعیین پتانسیل کانی‌سازی و دمای تشکیل کانیهای فلزی توسط محلولهای هیدروترمال انجام شده است.

زمین‌شناسی عمومی منطقه

منطقه مورد مطالعه در 110 کیلومتری شرق اصفهان واقع شده است، این منطقه دارای مختصات جغرافیایی به طول $52^{\circ}55'$ شرقی و عرض جغرافیایی $32^{\circ}33'$ می‌باشد (شکل 2).

سنگ‌شناسی سری آتشفشانی شمال گاوخونی در نقشه مذکور، بازالت و پیروکسن آندزیت نئوژن، آندزیت و توف در زمینه پتروگرافی، پترولوژی و ژئوشیمی توده‌های نفوذی و دگرگونیهای وابسته منطقه نایب در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پژوهشهایی انجام شده است [5,6]. تنوع ترکیب سنگ‌شناسی واحدهای موجود در منطقه و فراوانی سنگهای حدواسط تا اسیدی با ترکیب ماگمایی کالکو آلكالین از ویژگیهای این منطقه است [6,7].

بر روی دگرسانیهای موجود در منطقه در قالب رساله دکتری مطالعاتی انجام شده است [8]. از جمله دگرسانیهای موجود در محدوده کانسار مورد مطالعه می‌توان به دگرسانی پروپلیتیک و سیلیسی اشاره نمود. کانیهای مهم دگرسانی

منطقه اتفاق افتاده و سیلیس زایی در واحدهای سنگ‌شناسی منطقه به شکل رگه و رگچه به صورت شکافه پراکن می‌باشد.

روش مطالعه

در ابتدا به منظور شناخت مقدماتی منطقه مورد مطالعه، نقشه زمین‌شناسی 1:250000 نایین مورد بررسی قرار گرفت. برای شناخت بیشتر منطقه در چند نوبت بازدیدهای صحرایی صورت گرفت و نمونه‌برداریهای سیستماتیک از منطقه با استفاده از GPS انجام پذیرفت. از تعدادی نمونه‌ها به منظور سنگ‌شناسی سنگهای در برگیرنده کانسار مس مورد مطالعه و تعیین دگرسانیهای موجود در منطقه مقاطع نازک تهیه گردید که با میکروسکپ قطبشی پلاریزان Olympus با نور عبوری مدل BH2 مورد مطالعه قرار گرفتند.

تعدادی مقطع صیقلی نیز به منظور شناسایی کانیهای فلزی تشکیل‌شده در منطقه تهیه گردید که توسط میکروسکپ پلاریزان Olympus با نور انعکاسی مدل BX60 مورد مطالعه قرار گرفت. از نمونه‌های کوارتز موجود در منطقه مورد مطالعه به منظور مطالعه میانبراهای سیال در ابتدا مقطع نازک تهیه گردید و با توجه به حضور میانبراهای سیال، از آنها مقاطع دوبرصیقل یا ویفر تهیه نمودیم و در حدود 90 نمونه مورد آزمایش گرمایش قرار گرفتند و با استفاده از نرم افزار Excel 2003 نمودار هیستوگرام داده‌های گرمایش نسبت به فراوانی رسم گردید.

بحث

ناحیه مورد مطالعه بخشی از نقشه 1:250000 نایین می‌باشد که بر اساس تقسیم‌بندی واحدهای زمین‌ساختاری، در بخش غربی زون ایران مرکزی یا زون ارومیه - دختر قرار دارد. واحدهای سنگ‌شناسی منطقه به صورت گدازه و آذرآواری مشاهده می‌شوند و عمدتاً دارای ترکیب حدواسط هستند. واحدهای گدازه‌ای اغلب از نوع پیروکسن آندزیت می‌باشند و واحدهای آذرآواری اغلب از نوع توفهای ماسه‌ای هستند.

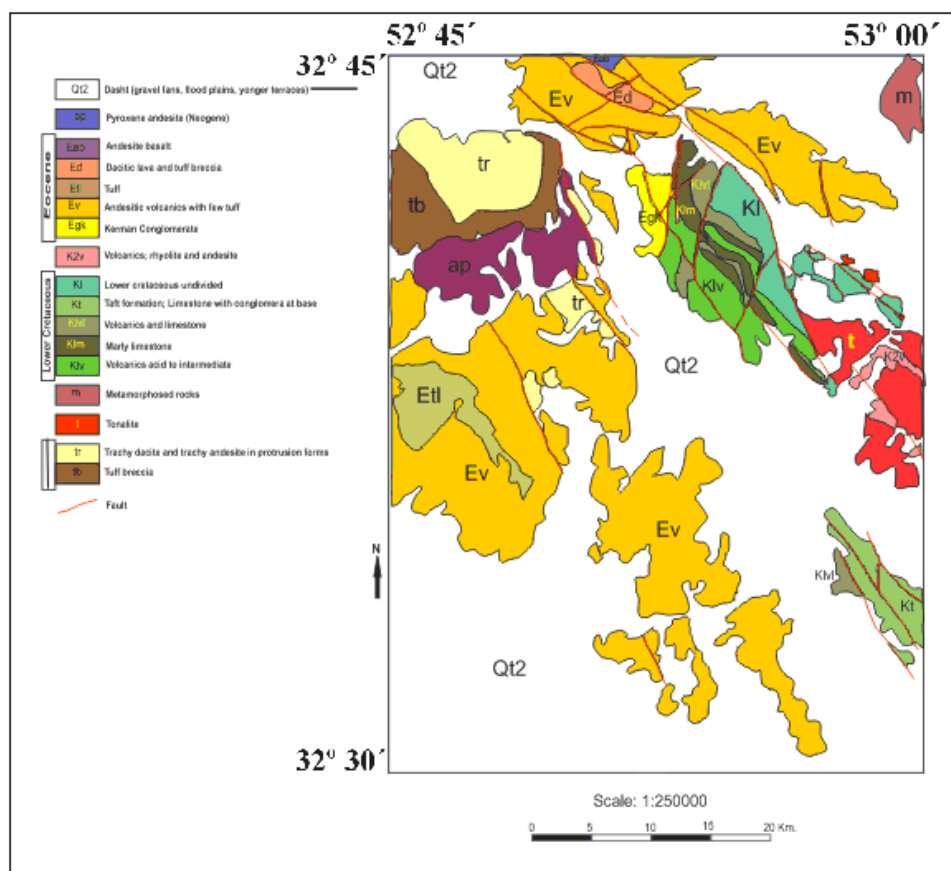
کانی‌سازی سولفیدی در منطقه به صورت رگه و رگچه اتفاق افتاده که در واحدهای آذرآواری و آتشفشانی ائوسن ایجاد شده‌اند. این رگه و رگچه‌های حاوی فازهای سولفیدی احتمالاً مربوط به فاز کششی پیرنه می‌باشند و در واقع مجراهایی برای هدایت محلولهای هیدروترمال هستند. واحدهای سنگی

کانسار کالچوپه از لحاظ زمین‌ساختاری در زون ارومیه - دختر واقع شده است. از نظر لیتولوژی عمدتاً از سنگهای آتشفشانی و آذرآواریهای وابسته به آن تشکیل شده است. قدیمی‌ترین سنگهای منطقه متعلق به سازند سلطانیه است که شامل دولومیت، ریولیت، شیل و آهک با میان لایه‌هایی از چرت می‌باشد. در این منطقه سنگهای کرتاسه مهم‌ترین رخنمون سنگهای مزوزوئیک منطقه را تشکیل می‌دهند که شامل سازند تفت می‌باشد و دارای واحدهای سنگ آهک، آهک مارنی و کنگلومرای قاعده‌ای است. کنگلومرای قاعده‌ای کرتاسه (کنگلومرای کرمان) در جنوب شرقی شیراز کوه در شرق منطقه مورد مطالعه به مقدار کم بیرون‌زدگی دارد.

کرتاسه زیرین شامل سنگهای آذرین بیرونی متوسط تا اسیدی مانند آندزیت و داسیت بوده که به صورت بین‌چینه‌ای با آهکهای کرتاسه قرار گرفته‌اند. کرتاسه فوقانی شامل ریولیت، داسیت و آندزیت همراه با میان لایه‌هایی از آهک پلاژیک است.

سنگهای دوران سوم شامل ولکانیک‌های بازالتی مربوط به ائوسن در کوه سرو، کوه داپار و کوه حیدرآباد با روند جنوب شرق - شمال غرب رخنمون دارند [5]. در دوره الیگومیوسن فعالیتهای ماگماتیسمی که در منطقه رخ داده، موجب تشکیل توده‌های نفوذی شده‌است. گسترش این توده‌ها به شکل غربی - شرقی به طول تقریبی 20 کیلومتر و عرض 3 کیلومتر است. ترکیب این توده‌های نفوذی عمدتاً تونالیتی بوده و ترکیبات دیگر این توده‌های نفوذی شامل اپی‌دیوریت، دیوریت، آمفیبول دیوریت، کوارتز دیوریت، تونالیت، گرانودیوریت و گرانیت می‌باشد. محل قرارگیری این توده‌های نفوذی در امتداد توده‌های نفوذی نطنز - بزمان است.

تشکیلات سنوزوئیک بر اثر حرکات زمین‌ساختی و فازهای مهم کوه‌زایی چین‌خورده‌اند. سنگهای آتشفشانی متشکل از گدازه‌ها و توفها می‌باشند. توفها از نوع ماسه‌ای می‌باشند و به رنگ سبز دیده می‌شوند. از ویژگی توفها در این منطقه وجود کوارتز، فلدسپات آلکالن، شیشه و اکسیدهای آهن است. روانه‌های گدازه‌ای منطقه اغلب از پیروکسن آندزیت می‌باشند که در اثر فازهای کوه‌زایی پیروکسن‌ها خرد شده‌اند. در این منطقه واحدهای سنگ‌شناسی اغلب تجزیه شده‌اند به این صورت که فلدسپات‌های آلکالن به کانیهای رسی تبدیل شده‌اند، همچنین دگرسانی پروپلیتیک به شکل فراگیر در



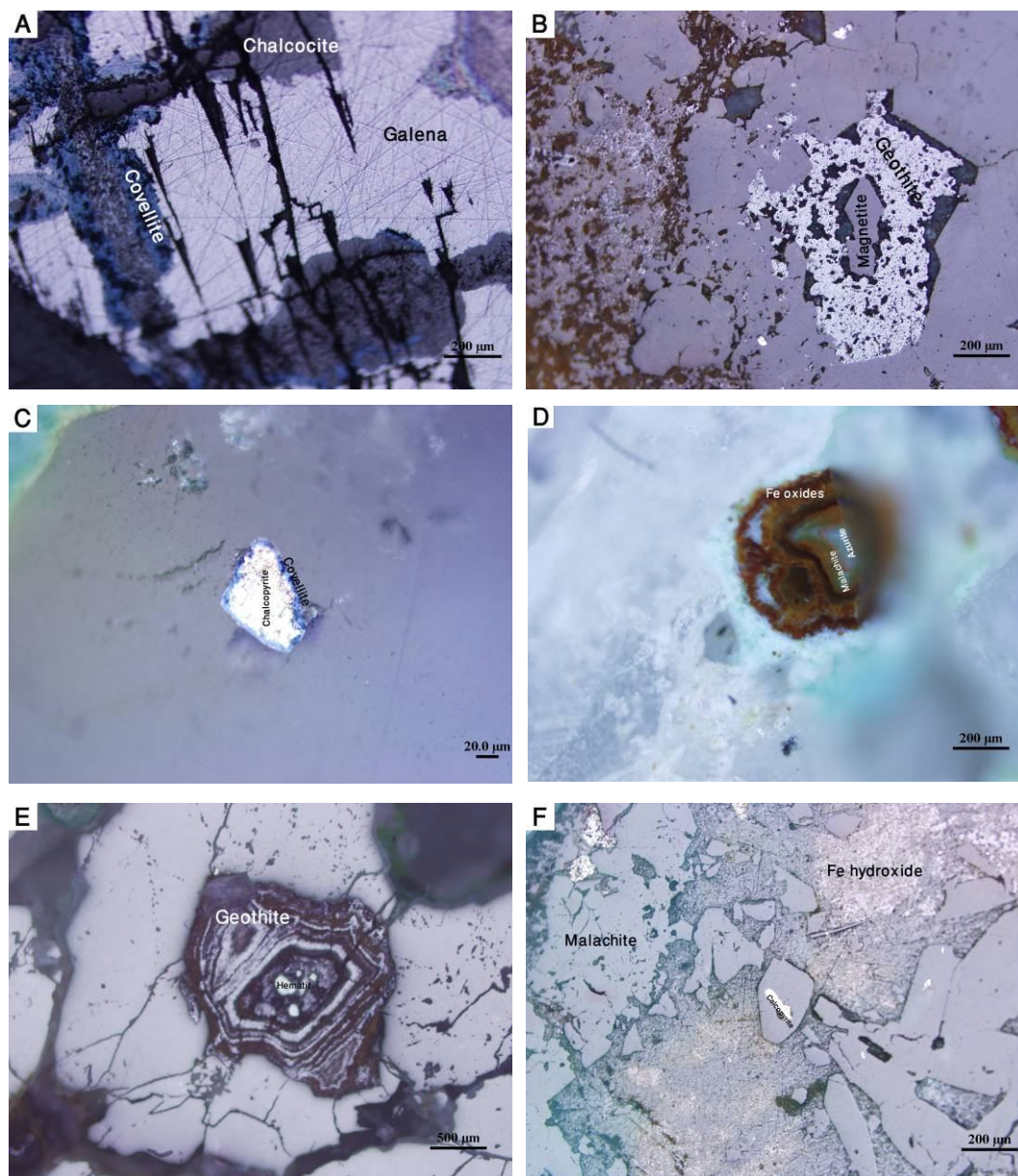
شکل 2. نقشه زمین شناسی منطقه مورد مطالعه برگرفته از نقشه نائین با مقیاس 1:250000 با اندکی تغییرات.

می شود و کانه زایی سوپرژن سولفیدی عمدتاً شامل کولیت و کالکوسیت می باشد. کالکوپیریت به صورت یک کانی باقی مانده (اولیه) در رگه های کوارتز مشاهده می شود که معمولاً به وسیله کولیت، کالکوسیت و هیدروکسیدهای آهن جانشین می شود. این کانیها به صورت یک حلقه واکنشی اطراف کالکوپیریتها قرار می گیرند. در طی فرآیند اکسیداسیون مقداری از آهن در شبکه بلوری کالکوپیریت بوده و به شکل دانه های جدا از هم گوتیت آزاد شده و در محل کالکوپیریت اولیه سولفید مس (کولیت) ایجاد می گردد. این کالکوپیریتها به صورت بسیار ریز در متن سنگ پراکنده اند و بافت افشان از خود نشان می دهند (شکل F 3). کولیت به صورت حلقه واکنشی در اطراف کالکوپیریت (شکل 3C)، کالکوسیت و گالن قرار دارد و از حاشیه در حال خوردن کالکوپیریت، کالکوسیت

در برگیرنده منطقه کانی سازی شده تحت تاثیر دگرسانی پروپلیتیک قرار گرفته اند. کانیهای این دگرسانی عبارتند از اپیدوت، کلریت، کربنات، کانیهای رسی و به مقدار کم سرسیت.

گسلها در منطقه حرکات ضربانی و نبضی داشته اند و کوارتزها با ساختهای شانهای، رگه های و برشی ایجاد شده اند. توده های نفوذی جوانتر (اولیگو میوسن) با ترکیب عمدتاً تونالیتی که کانسار سازی احتمالاً در ارتباط با آنها می باشد، دیده می شود. مطالعات مینرالوگرافی بر روی زونهای کانی سازی شده، نشان دهنده دو مرحله کانه زایی است.

کانی سازی اولیه (هیپوژن) دارای دو فاز اکسیدی مگنتیت و سولفیدی کالکوپیریت و گالن است. در کانی سازی ثانویه فاز اکسیدی شامل هماتیت، گوتیت، و دیگر هیدروکسیدهای آهن



شکل 3. تصاویر میکروسکوپی از مقاطع صیقلی. A: پارائز گالن، کالکوسیت و کوولیت و کشیدگی رخهای گالن در اثر تنشهای تکتونیکی B: تبدیل مگنتیت به گوتیت C: تبدیل کالکوپیریت به کوولیت از حاشیه D: افتادگی یک سمت کانه‌ها در مقطع نسبت به طرف مقابل در اثر تنشهای تکتونیکی E: تبدیل هماتیت به گوتیت F: تجزیه کالکوپیریت وتشکیل مالاکیت و باقی‌مانده‌هایی از کالکوپیریت به صورت افشان.

در اثر عملکرد سیالات جوی به علت افزایش سطح تماس و نقاط تضعیف شده حاصل از تنشهای تکتونیکی از طرف دیگر و حضور کربنات که ممکن است حتی در آبهای جوی به صورت محلول موجود باشد، شرایط را برای ایجاد کانیهای موجود در قسمتهای تحتانی کانی‌سازیهی مس یعنی مالاکیت و آزوریت ایجاد نموده است. این دو کانی کربنات‌های آبدار مس می‌باشند که همراه با هیدروکسیدهای آهن در

گالن می‌باشد. گوتیت یک هیدروکسید آهن است که حالت زونه‌ای از خود نشان می‌دهد که از آب‌گیری اکسیدهای آهن مثل هماتیت و مگنتیت ایجاد می‌شود (شکل 3B, 3E) و حضور آن نشان‌دهنده محیط هیدروترمال است. کالکوسیت از حاشیه‌ها تبدیل به کوولیت می‌گردد و در واقع منشأ اولیه آن کالکوپیریت بوده است. پیرولوژیت به صورت انشعابات درختی بر سطح سنگهای دربرگیرنده رگه‌های کوارتز مشاهده می‌شود.

اطراف کالکوپیریت‌ها قرار گرفته و در داخل شکستگیها ایجاد شده‌اند و رژیم تکتونیکی حاکم بر منطقه را نشان می‌دهند. مطالعات میکروسکوپی نشان‌دهنده تأثیرپذیری کانه‌ها از عوامل تکتونیکی است. چنانچه کشیدگی رخهای مثلثی گالن (شکل 3A) در یک جهت و همچنین افتادگی قسمتی از کانه‌ها نسبت به طرف مقابل (شکل 3D) آن می‌تواند حاکی از تنشهای تکتونیکی بعد از کانه‌زایی نیز باشد. وجود طلا همراه با کانی‌سازی در بررسیهای میکروسکوپی مشاهده نگردید اما آنالیزهای انجام شده به روش ICP-MS بر روی رگه‌های سیلیسی وجود طلا در حد چند پی‌پی‌ام را نشان می‌دهند.

پتروگرافی میانبارهای سیال

در مطالعه سیالات در گیر با توجه به شواهد پتروگرافی، سیالات درگیر عمدتاً اولیه (شکل 4A) و به مقدار کم نیز سیالات درگیر ثانویه مشاهده می‌شوند. سیالات درگیر اولیه که با فاصله زیاد از یکدیگر قرار دارند، نسبتاً بزرگ هستند و تقریباً شکل‌دار هستند و سیالات درگیر ثانویه که با فاصله کم از یکدیگر قرار دارند، خیلی کوچک هستند و سطوح بلوری، بلورهای کوارتز را قطع می‌نمایند. سیالات درگیر اولیه در تمام نمونه‌ها دارای دو فاز ترکیبی مایع و گاز می‌باشند و فازهای جامد و سخت در این سیالات درگیر وجود ندارند. مطالعات میانبارهای سیال حاکی از این است که بیشتر میانبارهای سیال دارای ابعاد بزرگ و حتی بعضاً دارای طولی حدود 60 میکرون می‌باشند و اغلب دارای درجه پرشدگی بالایی می‌باشند. ازدیاد این نوع میانبارها مبین آن است که کانی‌سازی در این منطقه توسط محلولهای هیدروترمالی صورت گرفته و دمای کانی‌سازی نیز بالا نبوده است. این نوع میانبارهای سیال در هنگام آنالیز گرمایش سریعاً همگن می‌شوند. نوع دیگر از میانبارهای سیال مشاهده شده در منطقه درجه پرشدگی کمتری دارند، این نوع میانبارها می‌توانند نشانگر عمل جوشش در سیالات کانه ساز در هنگام کانه‌سازی باشند. در هنگام جوشش کاهش ناگهانی دمای سیالات کانه‌ساز را خواهیم داشت. در اثر این عمل، پایداری کمپلکس‌های حامل فلزات کمتر می‌گردد و ته‌نشست ناگهانی کانه‌ها در یک مقیاس کوچک اتفاق می‌افتد. مورفولوژی میانبارها متغیر است و این می‌تواند تا حدی توسط خواص بلورشناسی کنترل گردد. چنانچه بعضی از میانبارهای سیال

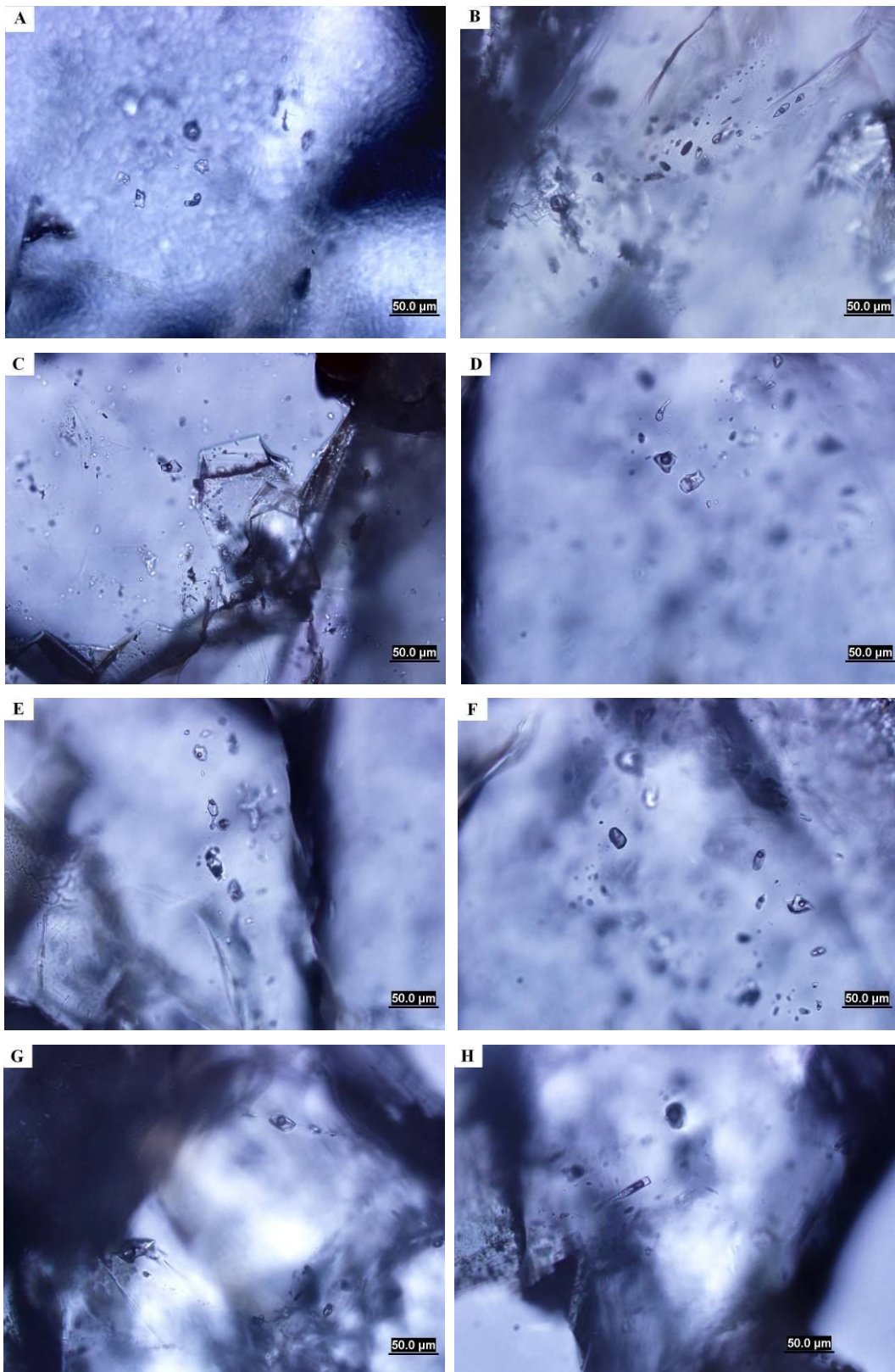
مورد مطالعه دارای شکل بلوری منفی هگزاگونالی کوارتز می‌باشند. به علت اینکه این نمونه‌ها مربوط به کانی کوارتز می‌باشند (شکل 4C). بعضی نیز دارای شکل کروی می‌باشند و همچنین اشکال پهن و کشیده نیز در بین میانبارهای سیال. مشاهده می‌گردد (شکل 4F). با توجه به این‌که منطقه تحت تاثیر تنشهای تکتونیکی قرار داشته، میانبارهای سیال به صورت ثانویه نیز در محل درزه‌ها تشکیل شده‌اند که به صورت تک فازی مایع می‌باشند و دمای پایین‌تر از 100 درجه را نشان می‌دهند و برای مطالعات حرارت سنجی مناسب نیستند. میانبارهای با شکل کشیده (شکل 4B, 4H) نیز می‌تواند نشان‌دهنده تنشهای تکتونیکی حاکم بر منطقه باشند. میانبارهایی نیز دارای شکل هندسی منظم به صورت مستطیلی و مثلثی شکل نیز در بین میانبارها وجود دارد (شکل 4G, 4D). در پتروگرافی‌های انجام شده از میانبارهای سیال فازهای CO₂ مایع و هیدروکربورهای مایع مشاهده نگردید و همچنین اثری از فازهای جامد مثل هالیت، سیلویت و... نیز مشاهده نگردید و این موضوع بیانگر این حقیقت است که میزان شوری سیالات کانی‌ساز در این منطقه کم است. در یک نمونه از میانبارهای سیال منطقه آثار فاز جامد فلزی مشاهده گردید که مربوط به اکسیدهای آهن (هماتیت) است.

در بعضی از میانبارهای سیال نیز پدیده باریک‌شدگی (شکل 4E) مشاهده می‌گردد و اصولاً این پدیده در میانبارهایی که بزرگ، تخت و نامنظم هستند تعادل مجدد به تقسیم آن به میانبارهای کوچکتر و در امتداد خاصی منجر می‌گردد که به آن گردن‌یافتگی می‌گویند و تشخیص این پدیده مهم است زیرا می‌تواند باعث خطا در دمای به‌دست‌آمده برای فرآیند همگن‌شدگی گردد، زیرا شرایط اولیه این‌گونه میانبارها تغییر می‌کند.

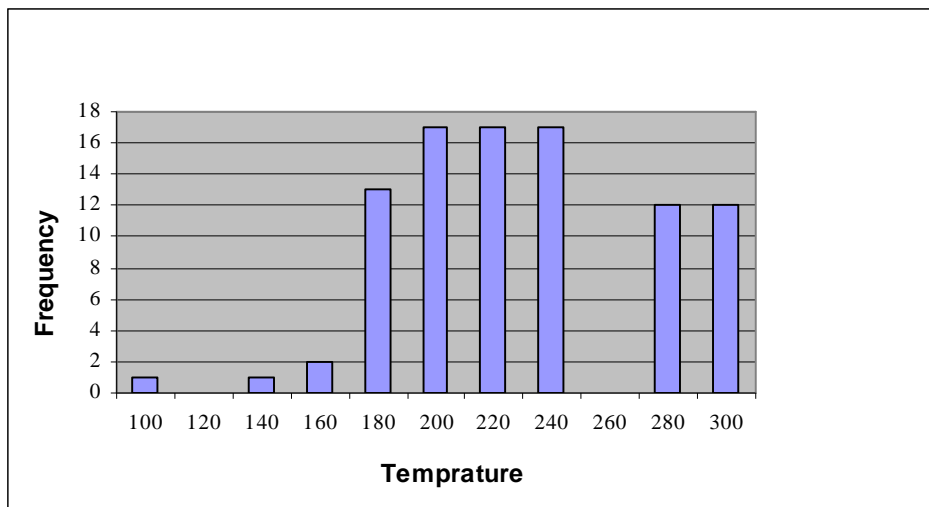
در کل به علت فقدان میانبارهای سیال از فاز دختر هالیت یا کلورر سدیم، شوری سیالات کانی ساز در این منطقه کم است. جمع‌بندی کلی از مطالعات پتروگرافی میانبارهای سیال این منطقه می‌تواند بدین‌گونه باشد که

الف - میانبارهای سیال منطقه عمدتاً اولیه و دوفازی و از نوع غنی از مایع می‌باشند

ب - شوری سیالات کانی ساز در این منطقه کم بوده است



شکل 4. تصاویر میکروسکوپی از میانبرهای سیال موجود در رگه‌ها و رگچه‌های سیلیسی منطقه مورد مطالعه. A: میانبرهای سیال اولیه B و H: میانبر سیال میله ای شکل C: میانبر سیال با شکل منفی بلور کوارتز G و D: میانبرهای سیال با شکلهای هندسی منظم (مستطیلی و مثلثی) E: پدیده گردن یافتگی در یکی از میانبرهای سیال F: میانبرهای سیال با اشکال پهن و بیضی.



شکل 5. نمودار هیستوگرام درجه حرارت همگن شدگی میانبارهای سیال نسبت به فراوانی آنها که بیشترین فراوانی متعلق به محدوده‌های حرارتی 200 تا 260، 180 تا 200 و 280 تا 320 درجه سانتی‌گراد است.

رگه‌ها و رگچه‌های سیلیسی با بافت شکافه پرکن به وفور در منطقه دیده می‌شود. کانی‌سازی اولیه (هیپوژن) دارای دو فاز اکسیدی مگنتیت و سولفیدی کالکوپیریت و گالن است. در کانی‌سازی ثانویه فاز اکسیدی شامل هماتیت، گوتیت و دیگر هیدروکسیدهای آهن می‌شود و کانه زایی سوپرژن سولفیدی عمدتاً شامل کوولیت و کالکوسیت است. با توجه به مقادیر نسبتاً بالای مس در نمونه‌های سطحی و مشاهده کانی‌سازی‌های این عناصر در زون اکسایش، احتمال کانی‌سازی در عمق وجود دارد و ضروری است که روی نمونه‌های اعماق بیشتر بررسی‌هایی انجام شود.

در میانبارهای سیال، عدم حضور بلورهای دختر مثل هالیت و سیلویت حاکی از وجود محلول‌های هیدروترمال فقیر از کمپلکس‌های کلریدی و دارای شوری پایین است.

مقدار شوری کم میانبارهای سیال بیانگر این است که حجم اصلی سیال‌های کانه‌ساز متعلق به آب‌های جوی است که دارای شوری کمی هستند. مطالعات ترمومتری میانبارهای سیال نشان می‌دهد که دو مرحله کانی‌سازی مشخص در این منطقه وجود دارد. فاز اول که در دمای حدود 200 تا 260 درجه سانتی‌گراد اتفاق افتاده، فاز اصلی کانی‌سازی است و فاز دوم که در دمای 180 تا 320 درجه سانتی‌گراد رخ داده‌است و این فاز کانی‌سازی با توجه به این که در مطالعه مقاطع صیقلی این ناحیه کانی‌سازی پراکنده به صورت کالکوپیریت به شکل

پ- بعد از تشکیل میانبارهای سیال، منطقه تحت تاثیر تنش تکتونیکی قرار گرفته است.

ت- کانی‌سازی در منطقه از نوع هیدروترمال یا اپی‌ترمال است.

نتایج مطالعات ترمومتری میانبارهای سیال در کانی‌های کوارتز

هدف از این روش به دست آوردن دمای همگون شدن فازهای مختلف درون میانبارهای سیال است که نتیجه دمای به تله افتادن سیالات با درجه حرارت تشکیل کانی‌سازی است.

به منظور انجام این مطالعات همان‌گونه که قبلاً ذکر شد تعداد 9 نمونه دوبر صیقل یا ویفر آماده گردید و بر روی 92 میانبار عمل گرمایش انجام گرفت. بر اساس نمودار درجه همگن شدن در مقابل فراوانی مشاهده می‌گردد که بیشترین فراوانی مربوط به دماهای 200 تا 260، 180 تا 200 و 280 تا 320 درجه سانتی‌گراد می‌باشد (شکل 5). با توجه به نبود مخزن نیتروژن مایع در آزمایشگاه برای انجام مرحله سرمایش بر روی میانبارهای سیال، تنها از روی مشاهدات پتروگرافی از قبیل نبود فاز جامد هالیت در میانبارها، می‌توان میزان شوری سیالات کانی‌ساز در این کانسار را بسیار پایین در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

- [5] منصوری م، "بررسی زمین‌شناسی و پترولوژی توده‌های نفوذی گجد در ارتباط با ولکانیک‌های اطراف (دهکده‌گجد در جنوب غربی نائین)." پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، (1371) 274 ص
- [6] خدای م، "بررسی پترولوژیکی سنگ‌های آتشفشانی شمال باتلاق گاوخونی." پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، (1377) 170 ص.
- [7] لاله گانی ع، "پتروگرافی و ژئوشیمی توده‌های نفوذی و دگرگونی مجاورتی شرق گردنه ملا احمد (فوداز)." پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، (1380) 123 ص.
- [8] تقی پور ب، "کانی‌شناسی و ژئوشیمی دگرسانی‌های گرمابی در کمان ماگماتیسیم سنوزوئیک ایران مرکزی (استان اصفهان) و البرز غربی، زون طارم سفلی (استان قزوین)." رساله دکترا، دانشگاه اصفهان، (1386).
- [9] کریم‌پور م. ح، سعادت س، "زمین‌شناسی اقتصادی کاربردی"، ویرایش دوم. نشر مشهد، مشهد، (1381) 535 ص.

ریزدانه در متن سنگها مشاهده می‌شود به احتمال می‌توان این اوج حرارتی را به فاز کانی‌سازی نسبت داد. با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان پیشنهاد کرد که کانی‌سازی طلا در منطقه کالچوبه یک کانی‌سازی طلای اپی‌ترمال کم سولفید است.

مراجع

- [1] خوئی ن، قربانی م، تاجبخش پ، "کانسارهای مس در ایران"، ویرایش اول. سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، تهران، (1378) 421 ص.
- [2] شهاب‌پور ج، "زمین‌شناسی اقتصادی"، ویرایش سوم، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، (1384) 543 ص.
- [3] Pourhosseine F., "Petrogenesis of Iran plutons, A study of the Natans and Bazman intrusive complexes". Ph.D. Thesis, university of Cambridge, (1981) 315 pp.
- [4] Amidi S.M., "Etude Geologique de la region de Natans-Nain-Surk (Iran-Central) Stratigraphie et petrologie", Geological survey of Iran, Report No 42. (1979) 316 pp